

مرور ادبیات موضوعی پژوهش: چالش‌ها و راهکارها

چکیده

یکی از چالش‌های پیش روی برخی نوپژوهشگران، دانشجویان کارشناسی ارشد یا دکتری رشته‌های هنری و از جمله طراحی صنعتی، عدم آشنایی ایشان با ماهیت، روش‌ها و نگارش مرور ادبیات موضوع پژوهش یا Literature Review است. عدم تسلط در این مهارت بسیار کلیدی و مهم، باعث عدم شناخت کافی این پژوهشگران از موضوع مورد بررسی شده و تلاش‌های پژوهشی ایشان را در لبه تولید علم قرار نمی‌دهد؛ بنابراین راندمان پژوهشی پژوهشگر، «کاسته» ارزیابی می‌شود. این مقاله ترویجی، ضمن معرفی این بخش جدانشدنی از انواع همه پژوهش‌ها، تلاش دارد روش کلاسیک بازبینی اطلاعات و انجام بررسی ادبیات موضوعی پژوهش و نگارش دانشگاهی این بررسی را آموزش دهد.

کلیدواژه‌ها

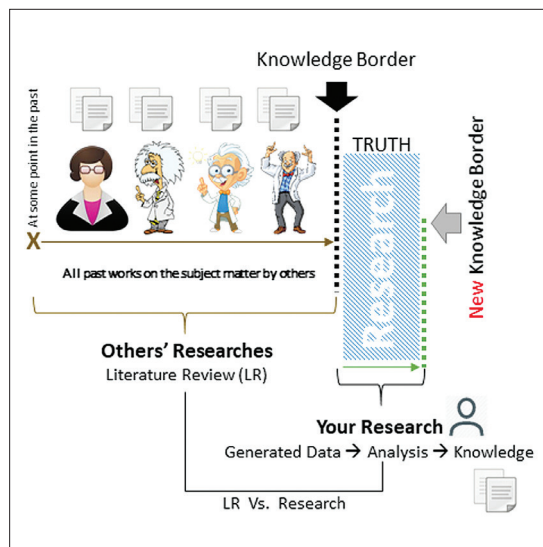
ادبیات موضوعی، نگارش دانشگاهی، سامانه بازبینی اطلاعات، مقاله هیستوریوگرافیک، سرقت علمی، ارجاع‌دهی

m.razzaghi@art.ac.ir

بازه پذیرش مقالات این شماره از ۹۶/۱۰/۱ تا ۹۷/۳/۳۱ دوره دریافت تا تأیید این مقاله: ۴۵ روز

مقاله
ترویجی

تعاریف متعددی از کارکرد بررسی ادبیات موضوعی یا Literature Review که به اختصار آن را «آر.» (LR) نیز می‌گویند، ارائه شده است؛ مثلاً وبستر و واتسون (۲۰۰۲) از آن تحت عنوان متنی تحلیلی و محتوا محور از گذشته موضوع یاد می‌کنند یا فرایدمن (۲۰۱۸) آن را از مهم‌ترین اجزای یک پژوهش معرفی می‌کند. ایونس و گروبا (۲۰۰۵) و نیز پالتریچ و استارفیلد (۲۰۰۷) نیز «LR» را زمینه، فونداسیون و شالوده یک پژوهش یا رساله استدلال می‌کنند و مدعی هستند که فصل LR، فصلی است که تئوری‌های زمینه و مرتبط با موضوع را به‌نگام کرده، پژوهش‌های پیشین و نیز تناقضات، اکتشافات و پیشرفت‌های موضوع را مورد بحث و بررسی موشکافانه قرار می‌دهد. در عین حال باید ربط محتوایی ادبیات گذشته موضوع را با موضوع مورد پژوهش تبیین و تحلیل کند. اگر این تبیین، دلالت بر تحلیل نویسنده‌گان از یک موضوع باشد یا مطالعه روال نگارش تاریخ آن موضوع باشد از آن تحت عنوان مقاله هیستوریوگرافیک یاد می‌شود. ایشان استدلال می‌کنند که در یک LR دانشگاهی، بررسی‌های تاریخی، جغرافیایی حوزه مورد بحث، تعاریف، مباحث و اصطلاحات، تئوری‌های موجود و حتی حوزه‌های تخصصی و حرفه‌ای مرتبط با موضوع و اساساً هر چیزی که برای جمع‌بندی و معناداری رویکرد و موضوع پژوهش انتخابی شما نیاز باشد، باید بررسی شود. جمع‌بندی اینکه اگر ما تحلیل عالمانه‌ای از گذشته شعبه علم یا طراحی که انجام می‌دهیم نداشته باشیم، از کجا اطمینان حاصل می‌کنیم که موضوع مورد بررسی پیشتر توسط سایرینی پژوهش نشده است؟ یا از کجا اطمینان حاصل می‌کنیم که مسیر آینده پژوهش خود را به قدر کفایت روشن کرده‌ایم که بتوانیم در سایه روشنی‌های آن گام برداریم و مسیر جدیدی را به مرزهای دانش بکشاییم؟ و نهایتاً چگونه اطمینان حاصل می‌کنیم که وقتی مقاله، فصل یا کتابی در خصوص پیشینه موضوع می‌نویسیم، علاقه‌مندان موضوع را به تحلیل علمی، منطقی و جدیدی از ادبیات موضوع رهنمون شده‌ایم؟



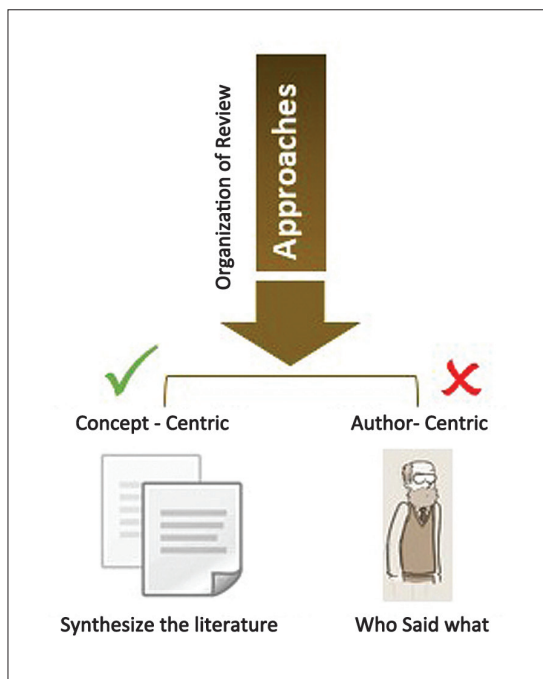
نمودار ۱. تمایز پژوهش با بررسی ادبیات موضوعی

بسیاری «پژوهش» را معادل «بررسی ادبیات موضوعی» یا «مرور متون» تصور می‌کنند؛ در صورتی که این دو باهم تفاوت ماهوی دارند. همان‌طور که در نمودار ترسیم شده، LR مرور تحلیلی ادبیات موضوعی تولید شده توسط سایر دانشمندان و محققان از گذشته معلوم تا حال بوده و هدف آن تبیین مرز موجود در دانش برای محقق و البته مخاطبان پژوهش وی است. لیکن «پژوهش» به مجموعه فعالیت‌های اطلاق می‌شود که پاسخ‌دهی به پرسش‌های پژوهش یا بررسی یک فرضیه، برنامه‌ریزی شده و هدف آن ایجاد شناخت یا حل یک مسئله و نهایتاً ترسیم مرز جدیدی در دانش موضوع است.

مرور ادبیات موضوعی پژوهش، عبارت است از بررسی علمی تمام مقاله‌ها، کتاب‌ها، استانداردها، قوانین، مقررات یا به‌طور کلی، بررسی علمی کلیه مستندات مکتوب و معتبر مرتبط با موضوع پژوهش در بازه مقرر و به‌منظور تدوین گزارش تحلیلی و جامع این بررسی یا LR (Visocky O'Grady, 2006). از جمله مهم‌ترین منافع تدوین یک LR خوب، صرفه‌جویی زمان و هزینه برای پژوهشگر و سازمان حامی پژوهش است که از بازتکرار کاری که پیشتر انجام شده، پرهیز کنند.

ساختارهای مرور ادبیات موضوعی

بلندبالا از منابع ایجاد می‌کنند که در بهترین وضعیت خود، تنها فهرستی از یک کتاب‌شناسی است (رک. به شفیی، ۱۳۹۵). در ساختار مفهوم‌محور، ادبیات موضوعی مورد تحلیل طولی^۱ و عرضی^۲ قرار گرفته، روندها و روال‌ها استخراج شده و متنی تلفیقی از ارزش‌های احراز شده و/یا خلأهای موجود در ادبیات موضوعی تا این مقطع از زمان به دست می‌دهد. ساختارهای مفهوم‌محور بر اساس سبک و قلم شخصی پژوهشگر نوشته شده و الگوهای خلاق را از تحلیل متون به دست می‌دهد که پیش از این سابقه نداشته است. خوانش ساختارهای مفهوم‌محور برای مخاطبان، روان و دارای الگویی یکپارچه و منسجم از شروع تا انتها هستند. در مقابل، در ساختارهای نویسنده‌محور، مخاطب در مسیری پرتراجم و توقف (به تعداد منابع) و البته متونی کرخت‌کننده ذهن قرار می‌گیرد که هر بخش از متن، فاقد ربط منطقی با سایر بخش‌ها بوده و ربط‌شان همان قدر منطقی است که ربط نام‌ها و شماره تلفن‌های افراد در کنار هم و در یک دفترچه تلفن یا همان قدر که اقلام فهرست خرید هفتگی یک خانواده به هم مرتبط هستند! نمودار ۲، این تقابل را به تصویر کشیده است.



نمودار ۲. تمایز ساختار «محتوا محور» با ساختار «نویسنده محور» در نگارش ادبیات موضوعی

همان‌طور که اشاره شد، نوشتارهای محتوا یا مفهوم‌محور، بر پایه استخراج مفاهیم و مضامین (و نه اشخاص) شکل می‌گیرد و هویت پیدا می‌کنند. گذشته از ابزارهای سنتی مطالعه متون مانند فیش برداری، ابزار مناسبی که برای استخراج مفاهیم از ادبیات موضوعی پژوهش از آن استفاده می‌شود «ماتریس مفاهیم» است. روش استفاده (رک. به جدول ۱) این است که در ردیف‌های این ماتریس، به هر مقاله یک کد انحصاری اختصاص داده می‌شود (مانند مقاله شماره ۱ یا مقاله شماره ۲) و در ستون‌های این ماتریس، عناوین مفاهیم مورد مطالعه، در سرستون‌های آن قرار می‌گیرند (مانند مفهوم A، یا مفهوم B). سپس کادرهای متقاطع این سطرها و ستون‌ها با علامت‌هایی معرفه برای

همان‌طور که اشاره شد، بررسی ادبیات موضوعی مرتبط، از اجزای مهم و ضروری هر پژوهشی است. وبستر و واتسون (۲۰۰۲) استدلال می‌کنند ساختار نگارش این بررسی، باید محتوا محور باشد؛ اما این ساختار محتوا محور در بررسی متون موضوعی چیست و در تناقض با چه ساختاری قرار می‌گیرد؟ دو ساختار برای گزارش بررسی متون وجود دارد: ساختار «مفهوم محور»^۱ و ساختار «نویسنده محور»^۲. نه تنها برخی از نویسندگان، سطح بررسی ادبیات موضوعی را به توصیف نظیر از آنچه دیگران انجام داده‌اند تقلیل می‌دهند، بلکه این رویکرد در بین برخی از محققان و استادان نیز رایج است. به عنوان مثال، اگرچه شفیی (۱۳۹۵، ص ۴۴) در کتاب خود و در گام دوازدهم از تنظیم یک پیشنهاد (پروپوزال) که تلاش کرده است با لحنی صمیمی با مخاطبان دانشجوی خود صحبت کرده و ایشان را گام به گام در تدوین پروپوزال پایان نامه دوره کارشناسی ارشد راهنمایی کند، لیکن مبحث «پیشینه پژوهش» را با رویکرد نویسنده محور آموزش داده، می‌نویسد:

دوست نازنین! در بخش پیشینه تحقیق تو باید تمام کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌هایی را که به نوعی به بخشی از پژوهش تو مرتبط هستند، معرفی کنی. باید راهی را که تاکنون طی شده معرفی کنی. در این بخش می‌نویسی که: بر اساس بررسی انجام شده در فلان پایگاه اینترنتی، کتابخانه‌های تخصصی فلان و فلان و نیز آرشیو مجلات تخصصی، هیچ‌گونه کتاب، مقاله یا پایان‌نامه مستقلی که دقیقاً به موضوع این پژوهش پرداخته باشد مشاهده نشد. ولی پژوهش‌های زیر به مسائلی پرداخته‌اند که می‌تواند زمینه‌ساز و پیشینه پژوهش تلقی شود: (۱) پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم/آقای ... تحت عنوان ... به راهنمایی ... که در سال ... در دانشگاه ... دانشکده ... دفاع شده است دارای ... فصل است که در فصل ... به موضوع نقش سرمای هوا در نقل و انتقالات گاز اشاره شده است و ... (۲) ... و (۳) ... عزیز دلم! همان‌گونه که می‌بینی باید همه موارد را به صورت تک تک بنویسی...

در صورتی که «پیشینه پژوهش» که همان «مرور ادبیات موضوعی پژوهش» است و در «کاربرگ درخواست تصویب طرح پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد» دانشگاه هنر و سایر دانشگاه‌ها آورده شده، باید متنی باشد همبسته (و نه تک‌تک!)، تحلیلی-انتقادی (نه توصیفی!)، منسجم و کوتاه از وضعیت کنونی علم در حوزه‌های نظری و عملی مرتبط با موضوع پایان‌نامه در جهان که موجبات تبیین چارچوب نظری پژوهش، تمرکز سؤالات و الزامات پژوهشی و شناسایی جنبه‌های نوآوری موضوع پایان‌نامه را فراهم می‌آورد. همچنین تصریح شده است که این متن باید حاوی ارجاعات درون‌متنی و منحصراً از منابعی باشد که در بخش فهرست منابع پژوهش فهرست شده‌اند. وبستر و واتسون (۲۰۰۲) تصریح دارند که ساختار محتوا محور در بررسی ادبیات موضوعی، به ساختاری همبسته، تحلیلی و انتقادی از متون اشاره دارد که بر اساس مفاهیم (کانسپت‌ها) ارگانیزه و به رشته تحریر درآمده باشد. به عبارت دیگر، این گزارش‌ها به روشنی مخاطب خود را در بهترین منظر برای نظاره‌گری علم در شعبه مورد نظر قرار می‌دهد ولی در مقابل، ساختارهای نویسنده محور، با تمرکز بر اینکه «چه کسی، چه چیزی گفته است» (فلانی گفته است فلان و بهمانی گفته است بهمان!) فهرستی

ممکن است چیدمان‌ها و تقسیم‌بندی‌های متفاوتی پیش‌بینی و پیشنهاد شود. لیکن هدف همگی آنها این است که در یک توزیع نسبتاً متوازن (زیربخش‌ها)، محتوای علمی تولیدشده توسط دیگران مورد توصیف و تحلیل نقادانه قرار گیرد. اینکه جریان علم در موضوع مورد بحث، چرا و از چه مسیری و با چه فرازونشیب‌ها و چه نقاط عطفی داشته است، چه کسانی نقش‌آفرینان این مسیر بوده‌اند و در یک جمله، وضعیت و مختصات علم در موضوع مورد بحث چگونه بوده و جامعه بشری از آن چه می‌داند. پالتریج و استارفیلد (۲۰۰۷) چیدمان زیرفصل‌های این فصل را بر اساس «پرسش‌های پژوهش»، «مضامین حاضر»، «متغیرهای مورد مطالعه»، «کرونولوژی یا تسلسل تاریخی از قدیم به جدید»، «دیدگاه‌های افراد حقیقی یا حقوقی» یا «ترکیبی از همه یا چند تا از این رویکردها» معرفی می‌کنند. بدیهی است که در هر یک از این چیدمان‌ها، معیار ارتباط مستندات معتبر (مقاله‌ها، کتاب و غیره) با موضوع مورد بحث، مضامین و کلیدواژه‌های مشترک با موضوع رساله است. این ارتباطات می‌تواند در موضوع، روش‌شناسی، رویکردها، زمینه‌ها، داده‌های پژوهشی، مبانی نظری، محصول و نظایر اینها باشد. در بخش جمع‌بندی این فصل، ضمن معرفی بسیار مختصر رابطه LR انجام‌شده با اهداف رساله، ارتباط و عملکردهای یافته‌های LR را با چارچوب نظری و مسئله طراحی رساله (طراحی محصول یا خدمات) به بحث گذاشته و شکاف یا نادانسته‌های دانش در هر یک از این حوزه‌ها را به تصویر می‌کشد. اگر بپذیریم که نظریه‌ها و تئوری‌ها برای توضیح، پیش‌بینی و درک پدیده‌ها یا به چالش کشیدن دانش موجود درباره یک پدیده، توسعه پیدا می‌کنند، آنگاه باید بپذیریم که چارچوب یا مبانی نظری، ساختارهایی منطقی هستند که برای حفظ و حمایت این تئوری‌ها ایجاد می‌شوند؛ بنابراین و در مجموع، فصل LR باید در تقویت چارچوب نظری و تفکر انتقادی موضوع مورد بحث و بیان تفاسیر جمعی و تمایز مطالعه پژوهشگر از سایر مطالعات، نقش کلیدی ایفا کند. در عین حال، پژوهشگر باید هوشیارانه، شرافتمندانه و عالمانه مراقب باشد که در هر صورت، از مسیر کشف و گزارش حقیقت فاصله نگیرد.

نوشتن

LR یا مقاله را می‌نویسند؛ بنابراین «نوشتن»، بخش مهمی از ارائه و انتقال دانش ایجادشده ناشی از بررسی ادبیات موضوعی پژوهش است. از همین رو، تصریح می‌شود که بدون مهارت و تجربه «خوب نوشتن»، نگارش یک LR یا یک مقاله مروری خوب، تنها یک «وهم» است؛ چراکه «نوشتن معمولی» را هر باسوادی می‌داند، ولی متأسفانه «خوب نوشتن» و «درست‌نویسی» را بسیاری نمی‌دانند. البته اینکه الآن «ندانیم» عیب نیست، ولی اینکه «ندانیم» و بعد بر «ندانستن» بمانیم، یا «ندانیم» که نمی‌دانیم، مشکل‌ساز خواهد بود! بنابراین، «نوشتن» و آیین نگارش، (مجموعاً به مفهوم «خوب نوشتن» و «درست‌نویسی» که فرایندی زودبازده هم نیست) از مهارت‌های ضروری و الزامی نوپژوهشگران و دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های هنری است.

حری (۱۳۸۸) نوشتن را سهیم کردن دیگران در اندیشه‌ها و آرای خویش تعریف و استدلال می‌کند که نوشتن، راز بقا و ماندگاری در مجامع دانشگاهی و علمی است. بر همین اساس، اگر در مجامع مفروض، کسی پژوهش‌های اصیل نکند و ننویسد، ولی همچنان بر بقا باشد و ماندگار، باید بر علمی بودن یا دانشگاهی بودن محل کاروی که مبین تسلط روابط بر ضوابط در آن تنها مؤسسه بماند است، شک

پژوهشگر (مانند آیکن ✓) به نشانه اینکه مقاله مذکور حاوی مفاهیم A یا B و یا نظایر این‌هاست) علامت‌گذاری می‌شود. سپس متون نظیر این مفاهیم با کدهای رنگی متفاوت در فایل یا پرینت مقاله‌ها مشخص شده، امکان مطالعه عرضی یک مفهوم در مجموعه‌ای از متون را برای پژوهشگر فراهم می‌آورد. تدوین تحولات این مفهوم در گذر زمان، گام بعدی پژوهشگر است.

جدول ۱. نمونه‌ای ژنیک از یک ماتریس مفاهیم

Concepts Matrix

Article	Concepts				
	A	B	C	D	...
1	✓			✓	
2		✓	✓		
3	✓			✓	
...					

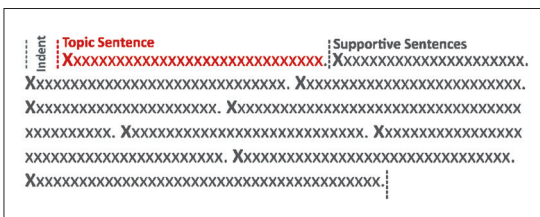
اگر بپذیریم که پژوهش، مسیر گذار از «پرسش» یا «فرضیه» به «شناخت» یا «دانش» است (Visocky O'Grady, 2006) دو گردنۀ مهم این گذار، قطعاً پژوهش‌های هستی‌بخش (Formative)؛ جایی که پژوهشگر با واگرایی فعالیت‌های پژوهشی مرتبط، تلاش دارد ریختی به پرسش‌های خود دهد و پژوهش‌های همگرا (Summative)؛ جایی که پژوهشگر با همگرایی فعالیت‌های پژوهشی مرتبط، تلاش دارد دانشی تولید کند، آنگاه باید بپذیریم که «مرور ادبیات موضوعی»، از جمله فعالیت‌های اولیه هستی‌بخش یا فرماتیو به جریان و فرایند کلی پژوهش است؛ چرا که تنها از طریق غور و تدبّر در منابع مکتوب و معتبر است که می‌توانیم ریختی برای مختصات نسبی حوزه مورد پژوهشی خود تعریف کرده و پرسش خود را از فازهای اولیه و تاریک پژوهش، به فازهای روشن آن رهنمون شویم.

پیتر وراگ (۱۳۹۶، ص ۲۶) به درستی استدلال می‌کنند: «هیچ پژوهشی در انزوا صورت نمی‌گیرد بلکه در بستری از افکار پیشین، شواهد موجود و آزمون‌های قبلی انجام می‌شود». از همین رو، می‌توان از فصل LR، به عنوان پل یا مفصل بین گذشته و آینده علم در شعبه مورد نظر یاد کرد؛ بنابراین پژوهشگران مکلف‌اند که آگاهی و تسلط خود را بر بستری که قصد دارند سازه پژوهش خود را بر مبنای آن استوار سازند، نشان داده و به اثبات برسانند.

همان‌طور که اشاره شد، ساختار کلی LR بر تشریح منطقی یافته‌های کلیدی گزارش شده که مستقیماً با موضوع پروژه مرتبط است و البته روند این یافته‌ها (چه کسانی، چه زمان‌هایی، چرا، چطور و غیره) متمرکز است. بدیهی است مانند سایر فصل‌های یک رساله، فصل مرور ادبیات موضوعی یک رساله نیز معمولاً شامل سه بخش کلی «مقدمه»، «بدنۀ اصلی و زیربخش‌های آن» و «جمع‌بندی» است. در بخش مقدمه فصل LR، عمدتاً سه موضوع روش‌شناسی جمع‌آوری اطلاعات، معرفی ابعاد کمی، زمانی و مکانی مجموعه اطلاعات (مقاله‌ها، کتاب و غیره) و البته روش تحلیل این اطلاعات به بحث گذاشته می‌شود. در بخش بدنۀ اصلی فصل LR و زیرفصل‌های آن، به فراخور موضوع مورد بحث،

حرف‌ها، کلمه را تشکیل می‌دهند؛ کلمات، جمله را تشکیل می‌دهند؛ جملات، پاراگراف را تشکیل می‌دهند و پاراگراف، واحد ساختمانی و اصلی کلیه نوشتارهای علمی است (Arnaudet & Barrett, 1990)؛ بنابراین شناخت نویزوهشگران و دانشجویان تحصیلات تکمیلی از ساختار و روش‌های توسعه پاراگراف در نگارش متون علمی، ضروری و الزامی است.

یک نوشتار به پاراگراف‌های متعدد می‌شکند تا بتواند ایده‌های متعدد را مطرح کند. به عبارت دیگر، هر پاراگراف، تنها باید حاوی یک ایده کانونی باشد. نمودار ۳، ساختار شماتیک یک پاراگراف کلاسیک در نوشتار علمی را پیشنهاد می‌کند. ایده کانونی پاراگراف، باید در «جمله موضوعی»^۸، یعنی نخستین جمله هر پاراگراف، به روشنی مطرح شود. هر جمله دیگری در همان پاراگراف، باید در خدمت و در راستای توسعه ایده کانونی پاراگراف (جمله موضوعی) قرار گیرد. به دیگر سخن، نخست ایده کانونی را در نخستین جمله یک پاراگراف مطرح می‌کنیم و بعد ایده‌های پیرامونی حامی یا منتقد را در توسعه ایده کانونی استدلال می‌کنیم. شیوه‌های استدلال عبارت‌اند از استقرایی^۹ [استدلال از جزء (شاهد) به کل (اصل)]، استدلال قیاسی یا استنتاجی^{۱۰} [استدلال از کل (اصل) به جزء (شاهد)] و استدلال ربایشی^{۱۱} [استدلال بر پایه بهترین شاهد (جزء) برای توجیه یک اصل (کل)].



نمودار ۳. ساختار شماتیک یک پاراگراف در نوشتار علمی

سامانه‌های بازیابی اطلاعات^{۱۲}

در عصر اطلاعات، بدون دسترسی به منابع مکتوب و معتبر برخط (آنلاین^{۱۳}) در پایگاه‌های اطلاعاتی اینترنتی، تقریباً امکان بررسی جامع ادبیات موضوعی پژوهشها دیگر غیرممکن است؛ بنابراین داشتن دسترسی به این منابع، پیش‌شرط انجام L.R است. سامانه بازیابی اطلاعات (IRS)، سامانه‌ای است که پژوهشگران را در یافتن و مورداستفاده قرار دادن اطلاعات یاری می‌کند. البته استفاده از IRS در شرایطی محقق خواهد شد که دانشجویان و نویزوهشگران دارای سواد یا مهارت‌های چهارگانه مبانی فناوری اطلاعات (IT)، مهارت‌های اطلاعاتی، سواد کتابخانه‌ای و سواد رایانه‌ای باشند. این چهار مهارت، آنها را در زمره باسوادان اطلاعاتی^{۱۴} قرار می‌دهد. با تکیه بر این مهارت‌ها و البته با توجه به دانش و تجربه تخصصی پژوهشگر، وی می‌تواند موضوع یا مسئله‌ای را تعریف کرده؛ سوالات پژوهشی مرتبط و معتبر موضوع را استخراج نموده؛ مفاهیم کلیدی موردنیاز حل مسئله را شناسایی کرده؛ اطلاعات آنها را جست‌وجو و در دسترس ساخته؛ آنها را مورد ارزیابی علمی قرار داده؛ با بررسی محتوایی اطلاعات، تحلیل منطقی را برای شناخت و/یا حل مسئله

کرد! از سوی دیگر، زمین (۱۹۶۸) در ضرورت نشر اندیشه‌ها و نتایج آثار پژوهشی، اشاره به وجود «کوسه‌های نشر» دارد که دائماً در تفکر بلع اندیشه‌های نشر نیافته و/یا مال خود کردن تلاش و دستاوردهای سایر پژوهشگرانند که متأسفانه و با وجود «قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی» مصوب ۹۶/۶/۸ مجلس شورای اسلامی، نرخ فزاینده‌ای در مجامع علمی کشور پیدا کرده است؛ همچنین باور پریشانی که طی آن، دانشجویان تحصیلات تکمیلی را از نشر آرای خود -که البته باید حاصل پژوهش‌های علمی و اصیل باشد- منع می‌کند، در بنیان، فاقد جاهت عقلی و علمی است و با هدف تخریب اعتماد به نفس پژوهشگران جوان و/یا با هدف ایجاد فاصله مهندسی شده بین دانشجو و استاد، طراحی شده یا بدتر از آن، کورکورانه پیروی می‌شود؛ بنابراین دانشجویان و پژوهشگران جوان باید -ولی با حساسیت و با اتکا به روش‌های علمی و با نظارت مستقیم و مسئولانه استادان راهنما- نسبت به نشر آرای علمی خود مبادرت ورزند و بدانند که تنها به محک نقد صاحب‌نظران، اندیشه‌ورزان و تجربه‌داران بی طرف در حوزه مورد نظر است که این دیدگاه‌ها ارزیابی شده و هویت علمی می‌یابند. حری (۱۳۸۸، ص ۲) می‌نویسد: «آنچه در خلوت ذهنی فرد روی می‌دهد نه شایسته قبول است و نه سزاوار رد». هر نوشته‌ای الزاماً باید از دو پیوند درونی و بیرونی بهره‌مند باشد. پیوند درونی، ناظر به ربط و ساختار منطقی اجزای سخن است که معنادار باشد و پیوند بیرونی، ناظر به تعیین مختصات سخن پژوهشگر در بافت و ماتریس موضوع مورد بحث است. اگر پیوند درونی متن، تشکیل معنا را در ذهن شما ممکن و تسهیل می‌کند، پیوند بیرونی متن، شأن، اعتبار و جایگاه سخن پژوهشگر را برای سایر پژوهشگران موضوع تعیین می‌کند. لذا مهاجرت دادن سخن و رأی یک نویسنده به یک نوشته دیگر (بدون تفسیر، تأویل یا تحلیل) نه تنها ارزشمند نیست که یک ضدارزش و تضییع‌کننده منابع و از جمله انرژی و کاغذ و البته وقت مخاطبان محسوب می‌شود.

چه L.R باشد، چه مقاله یا کتاب، نوشتار علمی باید درست، دقیق، کوتاه، حقیقی، مستقیم، روان، منطقی، مفید و البته جذاب برای مخاطبان آن باشد. اگرچه اصل ترغیب^{۱۵} اشاره به فرایند جذب مخاطب و حفظ رغبت وی برای مطالعه تا پایان نوشتار را دارد، ولی تفسیری از اصل کایزن در نوشتن می‌تواند به «نوشتن بسیار و بعد بازنگری، بازنگری و بازنگری» که راز «خوب‌نویسی» است تعبیر شود. این اصل، بر پایه این سخن نغز فارسی که «کار نیکو کردن از پُر کردن است» استوار است. در اهمیت «خوب نوشتن» شاید همین قدر کفایت کند که شاهد بیاوریم که «نوشتن» از متغیرهای کلیدی تعریف مقاله‌هاست؛ تعریف موحد (۱۳۹۳، ص ۲۲) از مقاله علمی-پژوهشی بدین شرح است: «نوشته‌ای کوتاه، به نشر، نشان‌دهنده نظر نویسنده در موضوعی خاص و محدود، رغبت‌انگیز، با نثری روشن و رسا، شامل ارجاع‌های لازم با ساختاری منسجم شامل مقدمه، متن یا بدنه و نتیجه، همراه کتاب‌شناسی مناسب». نشریه دستاورد (۱۳۹۶) مقاله علمی-مروری را نوشتاری علمی که براساس تحلیل استدلالی منابع مکتوب و معتبر به رشته تحریر درآمده باشد، تعریف می‌کند و پایه آن را مبتنی بر تحلیل مطالعات پیشین، ارزشیابی انتقادی آنها و با توجه به اهداف و نیازشناسی که به منظور خلق و تدوین نگرشی جامع از ادبیات موضوع پژوهش و ترجیحاً در قالب جدول‌ها و نمودارهایی که تعیین‌کننده آرا، رویکردها، الگوها و روال‌های^{۱۶} ایجاد شده باشند استوار می‌سازد.

۱. جست‌وجو و یافتن منابع معتبر و مرتبط (مشمول بر فعالیت‌های شناسایی کلیدواژه‌های اساسی، مضامین، افراد و ژورنال‌های اصلی در بازه زمانی تعریف شده + استفاده از اینترنت، پایگاه‌های داده و اطلاعاتی و سامانه‌های پژوهشی و البته کتابخانه‌ها برای دانلود مقاله‌ها + تفکیک منابع به اولیه (پژوهشی) و ثانویه (مروری) و شناسایی منابع اصلی از فرعی + استفاده از فهرست منابع انتهایی اسناد یافته‌شده برای گسترش مستندات مرتبط با موضوع + مطالعه استراتژیک (سریع) منابع + پیرایش و تعدیل کلیدواژه‌های جست‌وجو و انجام مجدد زنجیره فعالیت‌های مذکور تا نقطه‌ای که اطلاعات جدیدی بازیابی نشود). بدیهی است وقتی اطلاعات بسیاری بازیابی می‌شوند، نشان از بلوغ موضوع مورد پژوهش دارد و زمان توسعه تئوری توسط پژوهشگران ارشد است.

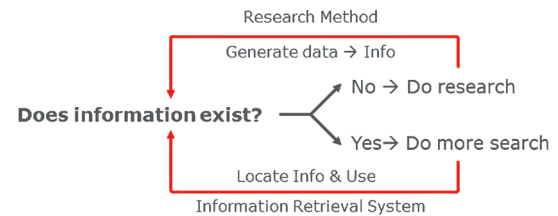
۲. مطالعه انتقادی منابع (مشمول بر فعالیت‌های شناسایی زمینه‌ها^{۱۷} و روندها + شناسایی قوت و ضعف‌های مقاله‌ها و زمینه + ارزیابی انتقادی محتوا و مفاهیم و مناقشه‌های پیرامون موضوع).

۳. آمادگی برای نوشتن LR (مشمول بر فعالیت‌های آشنایی با طول گزارش، سبک نگارش و شیوه ارجاع‌دهی + تصمیم در خصوص زمان جمله‌ها و وجوه معلوم و مجهول آنها + تدوین سرفصل‌های مفهوم‌محور و تماتیک + برنامه‌ریزی تدوین مقاله‌های مستخرج از LR).

۴. نوشتن LR (مشمول بر فعالیت‌های آشنایی با سرقت علمی، تخلفات پژوهشی و شیوه‌های ارجاع‌دهی + تصمیم بر ماهیت LR بسته به مقطع تحصیلی؛ از دانشجویان کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و دکتری انتظار می‌رود که گزارش مرور ادبیات موضوعی خود را به ترتیب «توصیفی و موضوع‌محور»؛ «تحلیلی و همگرا با پوشش روش‌شناسی» و نهایتاً «ادغامی تحلیلی و انتقادی با پوشش دهی جهانی از ادبیات موضوعی» به رشته تحریر درآورند + نوشتن بخش پیش‌درآمد و سپس بخش‌های تابعه + آگاه‌سازی مخاطب متن از مفاهیم آموخته ضمن احترام به نویسندگان پیشین + پرهیز از منفی‌گرایی، بدبینی و ناشی‌گری در اتخاذ رویکرد انتقادی از پژوهشگران پیشین + آگاه‌سازی مخاطب متن از پیوستارهای خطا در منابع دیگر به دلیل اقتباس‌های زنجیره‌ای از یکدیگر + اتخاذ رویکرد انتقادی ولی با توجیه انتقاد و صرفاً با استدلال‌های منطقی و شواهد عینی).

۵. شناسایی و معرفی خلأ اطلاعاتی و دانش و اثبات مدلل اینکه LR حامی رویکرد پژوهشی منتخب برای موضوع مورد بحث است.

ارائه کند. همان‌طور که در نمودار ۴ به صورت شماتیکی ترسیم شده، بسته به نتیجه جست‌وجوهای اولیه در گام‌های آغازین پژوهش که آیا اطلاعات مرتبطی در حوزه مورد نظر وجود دارد یا نه، می‌توان استراتژی‌های پژوهشی مناسب (Research) یا جست‌وجویی منطبق (Search) را تدوین کرد.



نمودار ۴. مسیرهای محتمل در آغاز پژوهش

منابع اطلاعاتی می‌توانند هرجایی در ساختار اینترنت قرار داشته باشد. اما این اطلاعات (در اینجا، ناظر به کلیه منابع اطلاعاتی (متن، تصویر، ویدئو، داده و غیره) و ادبیات موضوعی پژوهش از جمله مقاله، کتاب، استاندارد، نقشه و نظایر این‌هاست) در کجا ذخیره شده‌اند و روش جست‌وجو و بازیابی آنها چیست؟ آیا دانستن استراتژی‌های جست‌وجوی صفحه‌های وب، دانش استفاده از موتورهای جست‌وجو و نظیر Lycos، Google، Yahoo، AltaVista، MSN، Answer و روش استفاده از راهنمای موضوعی^{۱۵} (طبقه‌بندی موضوعی منابع) و روشهای استفاده از موتورهای فراجست‌وجوگر^{۱۶} و مفاهیم مدرنی نظیر این‌ها، برای بازیابی اطلاعات ضروری است؟ بهترین روش بازیابی اطلاعات، استفاده از کاتالوگ کتابخانه‌ها، وبسایت پایگاه‌های اطلاعاتی و البته موتورهای پیشرفته جست‌وجوگر مثل گوگل و گوگل اسکالر است. از آنجایی که مکانیسم‌های جست‌وجوی این موتورها متفاوت است و روش‌های جست‌وجوی منابع آنها بعضاً طولانی، معرفی این روش‌ها از حوصله این مقاله خارج است، اما هر یک از این موتورهای جست‌وجوگر، راهنمای کامل و ساده‌ای از امکانات جست‌وجوی خود را در بخش Support یا Help ارائه کرده‌اند که پژوهشگران می‌توانند با مطالعه آنها، نسبت به انتخاب استراتژی جست‌وجوی مناسب پژوهش خود استفاده کنند. به‌عنوان نمونه، به نشانی مندرج در فهرست منابع همین مقاله (Google, 2018) مراجعه کنید. پایگاه‌های اطلاعاتی DAAI، DAR، Scopus، EBSCOhost (ABI/Inform)، ScienceDirect، Elsevier، Business Source Premier و mior Avery از جمله مهم‌ترین پایگاه‌های اطلاعاتی مرتبط با حوزه طراحی صنعتی است که شمار قابل توجهی از نشریات علمی این حوزه در آنها نمایه شده‌اند.

فرایند تدوین LR

تدوین یک LR خوب (بعد از یافتن و تدقیق موضوع) یک فرایند رفت‌وبرگشتی از پنج گام اساسی و استراتژی‌های مرتبط است که به منظور تدوین گزارش یک فعالیت علمی-مروری، توسط مرکز آموزش دانشگاه UNSW سیدنی پیشنهاد شده است. این پنج گام اساسی و راهکارهای آن، با مقادیری دخل و تصرف و متناسب‌سازی با روند پژوهش در ایران، عبارت‌اند از:

تخلفات پژوهش و سرقت علمی^{۱۸}

در تعریف، به حلقه یا زنجیره‌های از فعالیت‌ها اطلاق می‌شود که ایده، اثر، سخن، کار و یا اساساً هر چیزی را که در تملک معنوی دیگری است، گرفته و آن را به نام خود یا غیر از مالک حقیقی اثر نشر دهد. به عبارت دیگر، هرگونه سوءاستفاده از دستاوردهای علمی دیگران

و ارائه اطلاعات نادرست، تخلف پژوهش محسوب می‌شود (عتف، ۱۳۹۱). رعایت منشور و موازین اخلاق پژوهش بر هر پژوهشگری واجب است.

در رأس مهم‌ترین و مؤثرترین روش برای پرهیز از سرقت علمی و تخلفات پژوهشی، در وهله نخست، غلبه بر اغوا و وسوسه نفس اماره بالسوء^{۱۹} و تقویت نفس لوامه^{۲۰} است که اولی، وسوسه کسب امتیازی بزرگ را در برابر هیچ یا اندکی تلاش در دل انسان می‌اندازد و دومی، مسیر توبه و بازگشت از خطا را برای انسان هموار می‌سازد. در مقابل، درک لذت واقعی حقیقت و زندگی شرافتمندانه می‌تواند وسوسه نفس را بی‌اثر یا به میزان قابل توجهی کاهش دهد که البته، استقرار نظام‌های پیشگیری و مقابله با سرقت علمی و تخلفات پژوهشی و نیز، تضمین کارایی و عملیاتی بودن این سامانه‌ها در دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی هم بی‌تأثیر نیست! در وهله دوم، آگاهی کامل از قوانین، شیوه‌های رعایت حقوق مالکان معنوی و روش‌های ارجاع‌دهی است که می‌تواند دانشجویان تحصیلات تکمیلی و نویز پژوهشگران را از ارتکاب به تخلفات پژوهشی و سرقت‌های علمی ناخواسته بازدارد. از مهم‌ترین قوانین مرتبط با سرقت علمی در ایران، می‌توان به «منشور و موازین اخلاق پژوهش» + «مراومه اخلاق پژوهش»، تدوین کمیته اخلاق پژوهش مرکز برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری حوزه معاونت پژوهش و فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، «قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی»، مصوب مجلس شورای اسلامی مورخ ۹۶/۶/۸، و «مصادیق و دستورالعمل نحوه بررسی تخلفات پژوهشی» ابلاغی مورخ ۹۳/۱۲/۲۵ وزارت عتف اشاره کرد. به دانشجویان و نویز پژوهشگرانی که برمی‌گزینند که زندگی هوشمندانه (در معنای انطباق با حقیقت) و حیات علمی افتخارآمیز و شرافتمندانه‌ای داشته باشند، مطالعه دقیق این اسناد و بهنگام‌سازی دانش خود از پیشرفت‌های علمی در این زمینه (حداقل به‌طور سالیانه)، مؤکداً توصیه می‌شود. همه این اسناد با یک جست‌وجوی ساده عنوان در گوگل، قابل دستیابی است.

برخی از مهم‌ترین و/یا شایع‌ترین عوامل تخلفات پژوهشی مندرج در «منشور و موازین اخلاق پژوهش» عبارت‌اند از: نداشتن تخصص و انجام پژوهش؛ عدم آشنایی با روش‌های علمی پژوهش؛ غیراصیل بودن موضوع پژوهش؛ عدم استفاده مناسب از منابع مکتوب؛ عدم صداقت در کلیت و اجزای فرایند پژوهش؛ جانبداری؛ خیانت در امانت؛ ترس از بیان حقیقت؛ عدم نقدپذیری؛ عدم تعهد به زمان؛ تدوین نامناسب گزارش پژوهش؛ عدم رعایت منافع تمام ذینفعان در طول فرایند پژوهش؛ عدم معرفی سازمان حامی پژوهش؛ آگاه نداشتن آموذنی‌ها از حقوق خود در آغاز و قبل از انجام پژوهش؛ کسب رضایت آگاهانه و آزادانه آموذنی‌ها؛ عدم حفظ حریم خصوصی افراد حقیقی و حقوقی؛ عدم رعایت اصل ناشناسی یا محرمانگی آموذنی‌ها؛ عدم رعایت سلامت جسمی، روانی و اجتماعی آموذنی‌ها (اعم از گیاه، حیوان، انسان، اشیا و محیط‌های طبیعی و مصنوعی)؛ عدم رعایت و گزارش اخلاق پژوهش؛ جعل و تحریف داده‌ها؛ سرقت علمی؛ اجاره علمی؛ تعارض منافع بین حقوق آموذنی‌ها و منافع مؤسسه؛ عدم ارجاع و استناد مناسب به منابع مکتوب مورد استفاده؛ عدم رعایت شیوه‌های مناسب بازگفت و بازنویسی؛ عدم استناد به منابع غیرمعتبر و موثق؛ عدم مشارکت قابل توجه در تولید علمی؛ عدم مسئولیت‌پذیری نویسنده مسئول در برابر وظایف یا نویسندگان در برابر محتوای تولیدشده؛ عدم سپاسگزاری از مساعدت‌های افراد و

سازمان‌ها در فرایند پژوهش؛ انتصاب جعلی (غیرواقعی) پژوهش به افراد یا سازمان‌ها؛ تدوین مبهم نتایج؛ ارسال موازی (ارسال همزمان یک مقاله برای چند ژورنال)؛ ارسال مجدد (ارسال مجدد یک مقاله چاپ‌شده به یک ژورنال یا همایش دیگر)؛ نشر همپوشان (نشر دو یا چند مقاله مشابه) و نشر تکه‌ای (تکه‌تکه کردن نتیجه یک پژوهش یکپارچه و نشر آنها در چند مقاله).

تخلفات پژوهشی و سرقت‌های علمی، به این سرفهرست مختصر محدود نمی‌شوند. در عین حال، کشف و شناسایی فرایندهای پیچیده و مهندسی‌شده تخلفات پژوهشی کار آسانی نیست، ولی امکان‌پذیر است و البته نیازمند دانش، صبوری و تجربه بازرسان علمی در رصد الگوها و ماهیت فعالیت‌های پژوهشگر یا به اصطلاح «پژوهشگر» درگذر زمان و با در نظر گرفتن میزان همبستگی این الگوها با سایر متغیرهای کمین (نظیر رصد سوابق پژوهشی فرد در سنوات گذشته، رصد مسئولیت‌های اجرایی، حوزه‌های فعالیت و نشر، رشته تخصصی و غیره) است. علت امکان‌پذیر بودن کشف و شناسایی تخلفات پژوهشی به‌ظاهر پیچیده و مهندسی‌شده، یک اصل مهم است و آن، این ضرب‌المثل پارسی است که «شترسواری دولادولا نمی‌شود» و نهایتاً فردی که از حقیقت فاصله می‌گیرد، نشانی از تخلف از خود به‌جا می‌گذارد و البته این واقعیت که نشانه‌ها، نمی‌توانند برای ابد از چشم بازرسان علمی برجسته و/یا وجدان عمومی جامعه مخاطب، مخفی بمانند.

با توجه به ماهیت فصل‌مرور ادبیات موضوعی رساله‌های دانشجویان تحصیلات تکمیلی یا مقالات علمی-مروری که بناهایی است برپا شده بر فونداسیون مالکیت معنوی دیگران، این نوشتارها، بسیار مستعد عدم رعایت آگاهانه یا ناآگاهانه اصول اخلاق پژوهشی توسط پژوهشگر است و لذا شرط اخلاق و عقل است که تدوین این نوشتارها، با حساسیت‌های مضاعف و دوچندان انجام پذیرد.

ارجاع‌دهی^{۲۱}

در تعریف، ارجاع‌دهی به عمل معرفی جزئیاتی از یک منبع علمی مرتبط با موضوع پژوهش، به میزانی که شناسایی کامل آن برای سایرین کفایت داشته باشد، اطلاق می‌شود؛ بنابراین ارجاع‌دهی تصدیق مشارکت سایرین در اثر پژوهشی پژوهشگر است. همان‌طور که توضیح داده شد، عدم ارجاع‌دهی یا ارجاع‌دهی نامناسب یا غیرواقعی، از مصادیق تخلف پژوهشی یا سرقت علمی است؛ بنابراین نویز پژوهشگران مجدداً و مؤکداً توصیه می‌شوند که اصول ارجاع‌دهی مناسب را بیاموزند و عمل کنند.

هر متن یا سند علمی استفاده‌شده در یک نوشتار علمی، باید در دو محل و در هر محل، به شیوه‌ای متفاوت مورد ارجاع‌دهی قرار گیرد؛ اول در بدنه نوشتار، به صورت ارجاع کوتاه درون‌متنی^{۲۲} و دوم در فهرست منابع^{۲۳} پایان نوشتار و تحت عنوان ارجاع کامل برون‌متنی. هیچیک از این دو جزء، جایگزین آن دیگری نیستند و وجود هر دو برای معرفی یک سند در یک نوشتار علمی ضروری است. به عبارت دیگر، نمی‌توان به دلیل وجود یک جزء، از درج جزء دیگر صرف‌نظر کرد. برای توضیح این دو جزء از ارجاع‌دهی، فرض کنید در یکی از سبک‌های ارجاع‌دهی که در ادامه توضیح داده خواهد شد، پژوهشگر فرضی به نام «پایا پژوهنده»، مقاله‌ای با عنوان «طراحی زایشی» در شماره ۳۹ دوره ۱۲۸م سال ۱۳۹۷ نشریه دستاورد به چاپ رسانده است و این

LR (فصل مرور ادبیات موضوعی پژوهش) بوده؛ بنابراین اصول کلی تولید محتوا در نگارش فصل LR و مقالات علمی-مروری کماکان یکسان هستند. اشاره شد که LR و مقاله‌های مروری، برنامه‌ریزی می‌شوند که وضعیت علم در شعبه مورد نظر پژوهشگر را تحلیل کنند و این کار را از طریق بازبازی اطلاعات، مطالعه سریع متون بازیابی شده (مطالعه استراتژیک)^{۲۷} و سپس مطالعه عمیق متون منتخب، ارزشیابی متون، تقسیم‌بندی مفاهیم، استخراج الگوها و روندها، کشف نقاط قوت و ضعف، تنظیم یافته‌ها و تدوین گزارش و بازنگری رفت و برگشتی گزارش تدوین شده، انجام می‌دهند. برخلاف باور گروهی از کهنه یا نوپژوهشگران که ارزش مقاله‌ها و نوشتارهای مروری را کمتر از مقاله‌های پژوهشی می‌دانند، باید تصریح کنیم که مقاله‌های مروری (البته مشروط به رعایت اصول علمی این فعالیت) اغلب توسط کسانی نوشته می‌شوند - یا بهتر بگوییم - باید نوشته شوند که دانشی بهنگام در ادبیات موضوعی داشته، صاحب سبک و مسلط به تخصص، آشنا با جریانها، روندها، افراد و گروه‌های تخصصی باشند. مقاله‌های مروری، نقدی علمی از تاریخ علم در شعبه مورد نظر به دست می‌دهد و از این جهت که بازه زمانی منبسط تولید محتواها را متراکم می‌سازد؛ هر یک از موضوعات متفرق با منشأ متفاوت و متنوع را در مختصات خودشان می‌نشانند؛ مفاهیم و مضامین را با نگاه ماکرو (کل نگر) دسته‌بندی و با نگاه میکرو (جزء نگر)، معناداری آنها را به محک تجربه و دانش مسلط پژوهشگر شناسایی و گواه‌آوری (استدلال) می‌کنند و می‌توانند بسیار ارزشمند باشند.

بسیار بخوانید و بیندیشید و حتماً بنویسید. دانستن، اندیشیدن و نوشتن، هیچ تعارضی با «دیزاین» ندارند.

سند علمی مورد استفاده یک نوشتار علمی-مروری قرار گرفته است. این سند، باید درون متن آن نوشتار، به صورت ... (پژوهنده، ۱۳۹۶) معرفی شده، در پایان نوشتار، ارجاع کامل برون‌متنی آن به صورت زیر در فهرست منابع مورد استفاده در آن نوشتار درج شود: (پژوهنده، پ. ۱۳۹۶)، طراحی زایشی، دستاورد، ۲۷ (۳۹)، ص ص ۲۷-۳۳.

ارجاعات درون‌متنی یا به صورت شماره‌گذاری^{۲۴} در بدنه نوشتار درج می‌شوند؛ مثلاً [۱۷] یا به صورت (نویسنده، تاریخ)^{۲۵}. در مدل شماره‌گذاری شده، مستندات از شماره [۱] تا هر تعداد سند غیرتکراری که در متن مورد ارجاع‌دهی قرار می‌گیرد (N) شماره‌گذاری می‌شوند و در فهرست منابع پایان نوشتار، این اسناد استفاده شده، به شماره نظیری که در متن ارجاع شده‌اند و به ترتیب از ۱ تا N به طور کامل معرفی می‌شوند. در مدل (نویسنده، تاریخ)، هرجایی از بدنه نوشتار که سندی مورد ارجاع‌دهی قرار می‌گیرد، نام نویسنده و تاریخ نشر سند، درون پرانتز قرار گرفته و در فهرست منابع پایان نوشتار، به ترتیب حروف الفبا و به طور کامل درج و معرفی می‌شوند.

برعکس ارجاعات درون‌متنی که تنها به دو سبک «شماره‌گذاری شده» و «نویسنده، تاریخ» محدود می‌شوند، روش‌های ارائه ارجاعات برون‌متنی (شیوه ارائه مستندات پژوهشی در فهرست منابع) دارای انواع متعددی و بیش از ۵۰۰ سبک است. از مشهورترین سبک‌های معرفی منابع در فهرست پایانی نوشتار (برون‌متنی)، می‌توان به سبک‌های مرجع‌نویسی APA و Harvard، به ترتیب در علوم انسانی/هنر و علوم/مهندسی اشاره داشت. راهنمای استفاده از این سبک‌های ارجاع‌دهی، با یک جست‌وجوی ساده عنوان در گوگل، قابل دستیابی است.

اگرچه تعاریف تقریباً مشابهی برای «فهرست منابع» و «کتاب‌شناسی»^{۲۶} وجود دارد، لیکن معمولاً «فهرست منابع» به فهرست همه اسناد و اطلاعاتی که در بدنه یک نوشتار علمی مورد ارجاع درون‌متنی قرار گرفته‌اند - از جمله کتاب، مقاله، نقشه، عکس، سالنامه، استاندارد، آیین‌نامه و نظایر اینها - اطلاق می‌شود و «کتاب‌شناسی»، معمولاً به فهرست همه اسناد و اطلاعاتی که در پیوند با موضوع تحت بررسی و تفحص، توسط پژوهشگر مطالعه شده، لیکن لزوماً در متن نوشتار مورد ارجاع قرار نگرفته‌اند اطلاق می‌شود.

جمع‌بندی

همان‌طور که اشاره شد از چالش‌های جدی نوپژوهشگران و دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های هنری، عدم آگاهی و آشنایی ایشان با ماهیت، روش‌های مرور ادبیات موضوعی پژوهش و نهایتاً نگارش فصل LR رساله یا مقاله‌های علمی-مروری مستخرج از آن است. در این مقاله، تلاش شد که این مضامین، شناسایی شده، راهکارهایی برای بهبود نگارش علمی این نوشتارها ارائه شود. لیکن، این مقاله به هیچ‌روی، مدعی پوشش‌دهی به تمام مضامین مربوط به نگارش LR (مرور ادبیات موضوعی پژوهش) نیست. بلکه رویکرد این مقاله، بیشتر توصیه حضرت مولانا بوده که می‌فرماید: «آب دریا را اگر نتوان کشید - هم به قدر تشنگی باید چشید»

به نوپژوهشگران و دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته طراحی صنعتی توصیه می‌کنم که حتماً یک مقاله علمی-مروری درخور، از پژوهش‌ها و فصل بررسی ادبیات موضوعی رساله خود، به رشته تحریر درآورند. همان‌طور که اشاره شد، هدف مقاله مروری نیز مشابه فصل

پی‌نوشت‌ها

۱۹. از مضامین قرآن کریم و مرتبط با نفوس چهارگانه انسان (آماره، لوامه، مُطمئننه و مُلهمه) است. نفس آماره، انسان را به سوی کارهای ناشایست هدایت می‌کند.
۲۰. از مضامین قرآن کریم و مرتبط با نفوس چهارگانه انسان (آماره، لوامه، مُطمئننه و مُلهمه) است. نفس لوامه، سرزنشگر انسان از کارهای ناشایست وی بوده و از آن به «وجدان» تعبیر می‌شود.

۲۱. Referencing & Citation

۲۲. Contextual Referencing | In-Text Referencing

۲۳. LOR= List of References

۲۴. Numbered

۲۵. Author-Date

۲۶. Bibliography

۲۷. در یک تعریف عمومی، هر آنچه مرتبط به تحقق اهداف، منافع و ابزارهای تحصیل آن باشد «استراتژیک» نامیده می‌شود. از آنجایی که از محدودیت‌های هر پروژه پژوهشی، «زمان» است، پژوهشگران فرصت مطالعه هر آنچه را که توسط واژه‌های کلیدی بازایی کرده‌اند، ندارند و گاهی ضروری است که برای مطالعه، به منتخبی از برترین یا مرتبطترین مقاله‌ها دست پیدا کنند و این مهم، از طریق روش مطالعه استراتژیک که مشتمل بر مطالعه سریع «عنوان» و سپس «چکیده» و نهایتاً «جمع‌بندی» مقاله و البته تصمیم‌سازی برای خواندن یا نخواندن مقاله اتفاق می‌افتد. پس از انتخاب خواندنی‌ها، مطالعه عمیق مقاله‌ها و کتاب‌های منتخب و اصطلاحاً از جلد تا جلد (Cover to Cover) شروع می‌شود.

۱. Concept-Centric

۲. Author-Centric

۳. Vista

۴. منظور از مطالعه یا تحلیل طولی، بررسی یک محتوا یا مفهوم در یک متن (یک کتاب یا مقاله) است.

۵. منظور از مطالعه یا تحلیل عرضی، بررسی یک محتوا یا مفهوم در یک مجموعه متون (کتاب‌ها یا مقاله‌ها) و در یک بازه زمانی و/یا مکانی مشخص و تعیین شده است.

۶. Persuasive Principle

۷. Trends

۸. Topic Sentence

۹. Inductive Reasoning

۱۰. Deductive Reasoning

۱۱. Abductive Reasoning

۱۲. IRS= Information Retrieval System

۱۳. Online

۱۴. Information Literacy

۱۵. Subject Directory

۱۶. Meta Search Engines

۱۷. Themes

۱۸. Plagiarism

منابع

- پیترا ام. و راگ جی. (۱۳۹۶) قوانین نانوشته یک رساله دکتری (ترجمه مصطفی کیانی)، تهران، انتشارات معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه هنر.
- حری، ع. (۱۳۸۸)، آیین نگارش علمی، تهران، انتشارات نهاد کتابخانه‌های عمومی ایران.
- دستاورد (۱۳۹۶)، راهنمای نویسندگان، تهران، انتشارات معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه هنر.
- شفیع، ا. (۱۳۹۵)، جناب مستطاب پرویزال؛ نامه‌ای به آدرس آنان که می‌خواهند پژوهش علمی انجام دهند یا پایان‌نامه بنویسند، تهران، نشر گلستان هنر.
- موحد، ض. (۱۳۹۳)، البته واضح و مبهرن است که ... رساله‌ای در مقاله‌نویسی، تهران، انتشارات نیلوفر.
- وزارت عتف (۱۳۹۱)، منشور و موازین اخلاق پژوهشی، تهران، کمیته اخلاق پژوهش مرکز برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری حوزه معاونت پژوهش و فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- Arnaudet, M. & Barrett, M. (1990), Paragraph Development (2nd Edition), New Jersey, Prentice Hall Regents.
- Evans, D. & Gruba, P. (2005), *How to Write a Better Thesis*, Melbourne University Press.
- Friedman, K. (2018), Principles of Reference and Citation. *She // Journal*.
- Google (2018), Google Search Support, Retrieved June 8, 2018, from <https://support.google.com/websearch/?hl=en>.
- Paltridge, B. & Starfield, S. (2007), *Thesis Dissertation and Writing in a Second Language*, Routledge, UK.
- UNSW (2018), The Learning Centre Resources, Retrieved June 8, 2018, from <http://www.lc.unsw.edu.au/>.
- Visocky O'Grady, J. & Visocky O'Grady, K. (2006), *A Designer's Research Manual*, Massachusetts, Rockport Publishers.
- Webster, J. & Watson, R (2002), Analyzing the Past to Prepare for the Future: Writing A Literature Review, *MIS Quarterly*, 26 (2).
- Ziman, J. M. (1968), *Public Knowledge*, London, Cambridge University Press.